

## روح القدس کیست؟ درس ۲: روی خدا دکتر سینکلر بی. فرگوسن

بسیار خوب، در مطالعه‌ی مقدماتی که داشتیم؛ به آغاز کار و مأموریت روح القدس، و به‌ویژه به کار اون در آفرینش و این‌که چه‌طور پُری رو به تهی بودن خلقت، و کمال و خوشی عظیم رو به پوچی زندگی ما وارد می‌کنه، فکر کردیم و دیدیم که چه‌طور به آفرینش، نظم می‌ده و به‌همین ترتیب، از سراسر کلام مقدس خدا آموختیم که روح القدس، به زندگی ما نظم می‌ده و اونو دوباره مرتب می‌کنه تا خدا جلال پیدا کنه. در این مطالعه می‌خواهیم به‌طور خاص به خدمت و مأموریت روح القدس در چیزی فکر کنیم که اونو عهد و پیمان کهنه یا قدیم، می‌نامیم. که به‌ویژه در دوران عهد عتیق بود که روح القدس، در مردان و زنان؛ کار می‌کرد و قوم خودش رو برای آمدن خداوند عیسی، آماده می‌کرد. چون زندگی‌نامه‌ی یک فرد، از خیلی جهات، راه‌گشای فهمیدن هویت اون شخص هست. اگر شما می‌خواهین بدونین من چه‌کسی هستم، نیاز دارین بدونین من چه‌طور به این‌جا رسیدم و گذشته‌ی من چیه.

و به همین شکل، اگر قرار باشه توانایی شناخت روح القدس رو پیدا کنیم و این اصل رو به‌خاطر بسپاریم که اون، همین روحی هست که خودش رو اون‌طور که هست، آشکار می‌کنه، اون‌وقت واضحه که یکی از کارهایی که ما باید انجام بدیم؛ اینه که سرگذشت روح القدس رو از آن‌چه که سراسر کلام مقدس خدا به ما می‌ده، دنبال کنیم. وقتی‌که به کاملیت مکاشفه‌ی اون و شخص عیسی مسیح، دست پیدا می‌کنیم؛ اون‌وقت می‌تونیم بفهمیم که اون چه‌کسی هست که این چنین، عالی کار می‌کنه. در درس اول، عرض کردم که روح، بیانی از قدرت خداست، یک طرز بیان شخصی از سیرت خدا، همون‌طور که خودش بیان فرموده – خطاب پدر و پسر به روح القدس، پسر به پدر و روح و غیره. و خدا به همین روش، خودش رو به ما هم معرفی می‌کنه.

شاید بگیم روح خدا شخص خدا در الوهیت هست که میاد تا ما رو نسبت به حضور خدا، آگاه کنه. مثلاً فکر کنین نویسنده‌ی مزمو ۱۳۹، در یک اظهار نظر بسیار زیبا در مزموری که احتمالاً برای همه‌ی ما آشنا هست، چی می‌گه. این مزمو از این می‌گه که ما نمی‌تونیم به هیچ‌جا از این جهان هستی بریم که حضور خدا در اون نباشه. "از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟ اگر به آسمان صعود کنم، تو آن‌جا هستی! و اگر در هاویه بستر بگسترانم، اینک تو آن‌جا هستی! اگر بال‌های سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن شوم، در آن‌جا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود و دست راست تو مرا خواهد گرفت."

روح خدا و حضور خدا. ولی یکسری جزئیات خیلی هیجان‌انگیز و دراصل، جذّاب در مورد خدا هم هست که کلام مقدّس خدا در عهد عتیق، اونا رو بیان می‌کنه. اگر کمی به عقب‌تر و به مزموور ۱۰۴، نگاه کنین، این بیان باشکوه رو در آیات ۲۹ و ۳۰؛ می‌بینین: "روی خود را می‌پوشانی، پس مضطرب می‌گردند. روح آن‌ها را قبض می‌کنی، پس می‌میرند و به خاک خود برمی‌گردند..."

حالا روشنه که این، بازتابی از فصل‌های یک و دو کتاب پیدایش هست که می‌گه: "روی خود را می‌پوشانی، پس مضطرب می‌گردند. روح آن‌ها را قبض می‌کنی، پس می‌میرند و به خاک خود برمی‌گردند چون روح خود را می‌فرستی، آفریده می‌شوند و روی زمین را تازه می‌گردانی." حالا نمی‌دونم توجه کردین که این‌جا نوعی جمع اضداد داریم. یک تضاد موازی.

وقتی خدا روی خودش رو می‌پوشونه، نیستی و مرگ هست، ولی وقتی خدا روحش رو می‌فرسته، زندگی، تازگی و شادی هست. تصویری که در این‌جا برای ما ترسیم شده، اینه که روح خدا نه‌تنها بیانی از حضور خداست که طبیعتاً همه‌ی شخصیت پر جلال خدا رو برای ما به‌ارمغان میاره، بلکه روح خدا کسی هست که پرده از چهره‌ی خدا برمی‌داره؛ نه‌تنها از صفات خدا، بلکه از خود شخص خدا. این تصویر، بیش‌از یکبار در کلام مقدّس خدا در عهد عتیق، به‌کار رفته و ترسیم شده.

این تصویر، دوباره در کتاب حزقیال ۳۹: ۲۹ هم به‌کار رفته، اون‌جا که خدا درباره‌ی رفتن و دیدارش با قومش، سخن می‌گه. و به‌طور اعجاب‌آوری می‌گه: "و خداوند یهوه می‌گوید که من بار دیگر روی خود را از ایشان نخواهم پوشانید زیرا که روح خویش را بر خاندان اسرائیل خواهم ریخت." پس این تصویر رو می‌بینین که یک‌جا، خدا روی خودش رو پنهان می‌کنه و بعد خدا از طریق شخص روح‌القدس، پرده از روی خودش برمی‌داره. این همون چیزی هست که داود هم در مزموور ۵۱، آیات ۹ تا ۱۲، وقتی تقاضای آمرزش می‌کنه، می‌گه: "روی خود را از گناهانم بپوشان و همه‌ی خطایای مرا محو کن. ای خدا دل طاهر در من بیافرین و روح مستقیم در باطنم تازه بساز..."

می‌بینین داود چه‌کار می‌کنه؟ می‌گه: "روی خود را از گناهانم بپوشان، مرا از حضور خود مینداز و روح قدّوس خود را از من مگیر." و خیلی وقت‌ها همون‌طور که می‌دونین در گفتار خودمون و در گفتمان کلام مقدّس خدا، وقتی واقعاً می‌خواهیم خدا رو بشناسیم و به حضور خدا نزدیک بشیم، از دیدن روی خدا صحبت می‌کنیم. روح خدا همون کسی هست که چهره‌ی خدا رو آشکار می‌کنه.

و این‌جا کلام مقدّس خدا در عهد عتیق، چیزهایی ارائه می‌کنه که فکر می‌کنم همه باهاشون آشنایی داریم. می‌تونیم درباره‌ی صفات خدا صحبت کنیم و از قدوسیّت و عدالت و امانت و قابل اعتماد بودن و قدرت و حکمت و دانش و پاکی خدا بگیم و همه‌ی این چیزها می‌تونن انتزاعی محسوب بشن. مأموریّت و خدمت روح القدس، آشکار کردن روی خداست، بنابراین ما همه‌ی این ویژگی‌ها و همه‌ی این صفات رو می‌بینیم که درحقیقت، شخصی هستن. این چهره‌ی واقعی خداست.

تقریباً مطمئنم که در هر فرهنگی، بچه‌های کوچیک دوست دارن با والدینشون، یک بازی مشابه رو انجام بدن. در اسکاتلند، بهش می‌گن: پیکابو. می‌دونین، یک آدم بزرگسال، صورتش رو با دستانش می‌پوشونه و بعد ناگهان، دستانش رو برمی‌داره و بچه از این کار، خوشش میاد. شاید شماها هم یکبار این بازی رو انجام دادین و حالا یادتون نمیاد این بازی، چه لذّتی داشت و چرا باعث می‌شد شما بخندین.

می‌بینین که بچه‌های کوچیک، همش این بازی رو انجام می‌دن و می‌خندن. چرا؟ چون چهره‌ی کسی که دوست‌شون داره و می‌خواد باهاشون باشه، براشون نمایان شده. پس در تمام کلام مقدّس خدا و نه فقط در عهد جدید، روح القدس، سرانجام، چهره‌ی خدا رو در عیسی مسیح برای ما آشکار می‌کنه و ما می‌تونیم هم‌صدا با یوحنا رسول در انجیل یوحنا فصل ۱، بگیم: "جلال او را دیده‌ایم...". اما در تمام کلام مقدّس خدا، روح القدس به شیوه‌های متفاوتی در زنان و مردانی در بین قوم خودش کار می‌کنه تا چهره‌ی خدا رو نمایان کنه و قوم خدا، اونو دوست داشته باشن، در اون لذّت ببرن و امنیّت و فیض رو در خدا پیدا کنن.

و موضوع جالب اینه که کارهای بسیاری رو که روح القدس در روزهای عهد و پیمان قدیم؛ انجام می‌ده، درحقیقت، مکاشفه‌ی چهره‌ی پدر آسمانی هست. روح القدس، برای قوم خدا در عهد قدیم، دقیقاً همون کاری رو انجام می‌ده که یک پدر برای فرزندانش انجام می‌ده. اون به قوم در عهد قدیم، هدیه و عطیه‌ی حکمت رو می‌بخشه که اونا بهتر زندگی کنن. مثلاً فکر کنین که وضعیّت یوسف در زمانی که در مصر زندگی می‌کرد، چه‌طور بود.

در اون چی بود که مردم بهش توجه می‌کردن؟ اون، روح خداوند بود که در زندگی اون وجود داشت- کتاب پیدایش ۴۱: ۳۸. اون چیزی بود که مردم در دانیال هم می‌دیدن، اگرچه چون بی‌ایمان بودن، گفتارشون درست نبود، درست مثل بی‌ایمانان در امروز که شاید چیزهایی در مورد شما می‌گن. چون کار خدا رو در زندگی شما می‌بینن، ولی لحن سخن خوبی ندارن.

گاهی مردم، ایمان میارن، ولی ادبیات مناسبی رو برای توصیف اون؛ به کار نمی‌برن. پس در دوران نبوکدنصر و بقیه‌ی قدرت‌مندان بابل، مردم فهمیده بودن که خدا روح حکمتش رو به دانیال، عطا فرموده. خدا مثل یک پدر، به دانیال تعلیم می‌داد و اونو تربیت می‌کرد که چه‌طور علیرغم هر نوع رخدادی، برای جلال خدا زندگی کنه. پس یعنی پدر از طریق روح القدس، به ما حکمت رو می‌آموزه.

دوم این‌که، پدر توسط روح القدس، خودش رو در کلامش، آشکار می‌کنه. نمی‌دونم آیا شماها با آخرین سخنان داود که در کتاب دوم سموئیل ۲۳، نوشته شده، آشنا هستین. در اصل، اونا آخرین حرف‌های داود نیستن؛ ولی آخرین سخنان اون در مقام پیامبر خدا هستن. بیابین ببینیم داود چی گفته.

کتاب دوم سموئیل ۲۳: ۲، می‌گه: "روح خداوند به‌وسیله‌ی من متکلم شد و کلام او بر زبانم جاری گردید." "خب، یک پدر وقتی فرزندانش رو تربیت می‌کنه، از چه راهی این کار رو می‌کنه؟ با حرف‌هاش، اونا رو تعلیم می‌ده. با کلامش، فرزندانش رو راهنمایی و هدایت می‌کنه. و این درست همون کاری هست که روح القدس در تمام صفحات کلام مقدس خدا در عهد عتیق، انجام می‌ده.

وقتی پیامبران می‌گفتن دست خداوند بر سر اوناست، منظورشون همین بود. منظورشون این بود که روح خدا بر اونا نزول فرموده. یادتون هست که پطرس چه‌طور در رسالات اول و دوم خودش، این موضوع رو بیان کرده، و در رساله‌ی دوم پطرس ۱: ۲۱، می‌گه که روح القدس، انسان‌ها رو مجذوب خدا می‌کنه تا کلام مقدس خدا رو در عهد عتیق، به ما برسونه. بنابراین، خدا از طریق روح القدس، پرده از چهره‌ی خودش برمی‌داره و به ما حکمت رو تعلیم می‌ده.

خدا از طریق کلامش، قومش رو هدایت می‌کنه. خدا توسط روح القدس، عطایا رو می‌بخشه. در برنامه‌ی اول، توجه کردیم که در بین ارجاعات اولیه به خدمت و مأموریت روح القدس که در کتاب خروج ۳۱: ۱ تا ۱۱ و ۳۵: ۳۰ تا ۳۵، ذکر شده، خدا عطایایی به صنعت‌گران می‌ده تا اونا کانون پرستش رو برای جلال خدا، زیبا بکنن تا خدا با قوم خودش، ملاقات کنه.

و بعد، شاید برجسته‌ترین چیزی که در کلام مقدس خدا در عهد عتیق، پیدا می‌کنیم و یکی از مواردی هست که کمتر بهش توجه شده، اینه که خروج قوم، به‌توسط خدمت و مأموریت روح القدس، انجام می‌گیره. شاید تا حالا به این فکر کردین که اشعیاء چه‌طور به این موضوع در

پایان نبوتش در کتاب اشعیا ۶۳، توجّه داره و درباره‌ی روشی صحبت می‌کنه که قوم از اسارت مصر، بیرون میان و حضور فرشته‌ی خدا اونا رو نجات می‌ده؟ این در کتاب اشعیا ۶۳ : ۹ هست.

اما بعد اشعیا در تفسیر کتاب خروج، داستان سرکشی قوم رو نقل می‌کنه، و اونو در ۶۳ : ۱۰، شرح می‌ده. قوم، گردن‌کشی کردن و باعث ناراحتی و اندوه روح‌القدس شدن. حالا یادتون هست که در رساله‌ی پولس به افسسیان ۴ : ۳۰، می‌گه: "روح قدّوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده‌اید، محزون مسازید." این یکی از برترین متونی هست که شخص بودن روح‌القدس رو اثبات می‌کنه.

شما یک شخص رو ناراحت می‌کنین. یک چیز یا یک مورد نیست. یک شخص رو محزون می‌کنین. پولس اینو همین‌طوری از خودش درنیاورده. از متن موجود در فصل ۶۳ کتاب اشعیا بازگو می‌کنه.

و این‌جا اشعیا داره می‌گه که حضور خدا که قومش رو رهبری می‌کرد، یعنی ابر جلالی که اونا دنبال می‌کردن، ستون ابری در روز و ستون آتشی در شب که اونا رو در بیابان، رهبری و هدایت می‌کرد، درحقیقت، همون شخص روح‌القدس بود که اونا رو رهبری می‌کرد و بهشون یک دورنما از سرزمینی تازه رو نشون می‌داد تا اونا قوم تازه‌ای بشن. پس همه‌ی اینا، یک نشانه برای ماست، شاید بشه این‌طور گفت، روح‌القدس، همراه صمیمی و نزدیک پدر آسمانی هست که این مزیت رو داره که پرده از چهره‌ی پدر برداره تا ما بتونیم ببینیم پدر و روح، می‌خوان برای فرزندان خدا چه‌کار کنن و بهشون حکمت می‌ده، کلام رو تعلیم می‌ده، اونا رو تجهیز می‌کنه تا خداوند رو خدمت کنن، اونا رو به آزادی رهبری می‌کنه، و اونا رو به رابطه‌ای شخصی با خداوند، هدایت می‌کنه که خداوند رو غمگین نکنن. می‌دونین یک ارتباط صمیمانه چه‌طوری هست؟ نمی‌دونم آیا شما این رابطه‌ی صمیمی رو پیدا کردین یا نه.

می‌دونین، شما می‌تونین به دیگران، آسیب بزنین و به‌ندرت، متوجّه اون بشین، اما نمی‌تونین به کسانی واقعاً دوست‌شون دارین، آسیب بزنین، بدون این‌که هردو متوجه این آسیب بشین، این‌طور نیست؟ پس این بیان باشکوه، هرچند شاید منفی به‌نظر برسه، ولی یک نشانه‌ی عالی از صمیمیتی هست که خدا طالب اون از قومش هست. خدا می‌خواد تا در بیابان، همراه اونا باشه، مثل یک پدر در بیابان این دنیا، همراه فرزندش راه بره.

پس به‌تدریج، چیزهای مشخصی درباره‌ی روح‌القدس در کلام مقدّس خدا در عهد عتیق، برای ما روشن می‌شن. نخست این‌که، روح‌القدس، شخص هست. دوّم این‌که، زیر عهد و پیمان قدیمی،

کاری که روح القدس انجام می‌دهد، اشاره‌ای به پیمان تازه داره و به قوم خدا، اشتیاقی به کمال بیش‌تر رو می‌دهد. می‌دونین، وقتی می‌آیین تا کسی رو بشناسین و دوست داشته باشین، و بگذارین بگم، عاشقش بشین، یک کاری که باید انجام بدین؛ اینه که اون شخص رو بهتر بشناسین و باهاش بیش‌تر وقت بگذرونین. می‌خواهین همیشه با اون شخص باشین.

و جالبه که بدونین، در دوران عهد و پیمان کهنه، یک برکت خاص از روح القدس نه به همه، بلکه فقط به بعضی‌ها، اعطاء می‌شد. ما بعداً و در درس‌های آینده به این موضوع، می‌پردازیم، ولی الآن اجازه می‌خوام که روی این موضوع، تمرکز کنم که روح القدس، چهره‌ی خدا رو آشکار می‌کنه، ولی در اصل، برای بعضی‌ها، این یک‌نوع مورد دست دومی به حساب میاد. همه‌ی انسان‌ها به یک اندازه از قاطعیت و روشنی، این روشن‌گری و مکاشفه رو تجربه نمی‌کنن.

یکی از بهترین تصویرهای این موضوع، و شاید یکی از مهم‌ترین‌ها، در کتاب اعداد، فصل ۱۱، پیدا می‌شه. آیا به‌خاطر دارین که در کتاب اعداد، فصل ۱۱، موسی ریش‌سپیدانی رو تعیین می‌کنه که بهش کمک کنن؟ پدر همسر موسی، یک مشورت خوب بهش می‌ده. «تو نمی‌تونی به‌تنهایی این کار رو بکنی. چند میلیون آدم، این‌جا هستن، به‌تنهایی نمی‌تونی اینا رو رهبری کنی. به کمک، نیاز داری.»

پس موسی، ۷۰ نفر از مشایخ رو تعیین می‌کنه. و جالبه، وقتی این اتفاق می‌افته که خداوند در ابر، پایین میاد و با موسی، گفت‌وگو می‌کنه که در کتاب اعداد ۱۱: ۲۵ هست و از روحی که بر موسی بود، می‌گیره و بر اون ۷۰ نفر، قرار می‌ده و اونا هم شروع به نبوت می‌کنن. و بعدش، یک اتفاق کوچک جالب می‌افته، یادتون میاد؟

دو نفر، بیرون از اردوگاه، شروع به نبوت می‌کنن. اونا از طبقه‌ی انبیاء نبودن. نباید این کارها رو می‌کردن. در فرقه‌ای که من پیرو اون هستم، افرادی هستن که مجوز خدمت روحانی به انجیل رو دارن، ولی هنوز دست‌گذاری نشدن، یکی از کارهایی که نمی‌تونن انجام بدن، انجام دعای برکت و فیض هست.

و برای همین؛ اگر کسی این کار رو بکنه، می‌دونین، اگر فکر نکرده باشه، همه، خیلی ناراحت می‌شن. می‌گن: «شما نباید دعای فیض و برکت رو می‌گفتین. شما که هنوز دست‌گذاری نشدین!» و از این قبیل حرفا. این‌جا هم همین اتفاق افتاده.

نمی‌دونم آیا به‌خاطر دارین موسی چی می‌گه. اون می‌گه: "کاش که تمامی قوم خداوند، نبی می‌بودند و خداوند، روح خود را بر ایشان افاضه می‌نمود!" راستش من فکر نمی‌کنم منظور

موسی این بوده که قوم به طور کلی، هیچ تجربه‌ای از روح القدس رو نداشتن، بلکه یادتون هست که نبوت در عهد عتیق، تقریباً چه طور بوده، "زیرا خداوند یهوه کاری نمی‌کند جز این که سر خویش را به بندگان خود انبیاء مکشوف می‌سازد."

انبیاء به مکان‌های مخفی حضرت اعلاء، راه پیدا کرده بودن، مکاشفه و تنویری خاص بهشون عطا شده بود که فرا خونده شده بودن تا همه‌ی اونا رو کلمه به کلمه بگن. اونا ایستادن. حرف الیاس رو یادتون هست که می‌گه: «به حیات یهوه، صباوت که به حضور وی ایستاده‌ام قسم...» موسی می‌گه: «کاش که...» گاهی می‌گم: «ای کاش هرکس از این جماعت، بتونه بیاد و پشت این منبر به ایسته و موعظه کنه، واقعاً آرزو نمی‌کنم؛ ولی می‌گم که کاش موعظه کنه تا مشقت سختی رو که هر واعظی تحمل می‌کنه، تجربه کنه!» و موسی می‌گه: «کاش که تمامی قوم خداوند، نبی می‌بودند...» ولی البته این بخشی از ساختار عهد عتیق نبود.

در عهد جدید، از این جنبه؛ همه نبی هستن، یعنی همه‌ی ما دقیقاً به همین شکل، در دسترسی بی‌درنگ و بی‌واسطه به چهره‌ی خدا در شخص خداوند ما عیسی مسیح، سهیم هستیم. پس در این جا چی می‌آموزیم؟ یاد می‌گیریم که روح القدس، شخص و شخصی هست. هم‌چنین می‌آموزیم که در مکاشفه‌ی روح القدس، پیش‌رفت وجود داره.

در خدمت و مأموریت روح القدس، پیش‌رفت هست. بخشی از این پیش‌رفت که در عهد و پیمان قدیمی وجود داشته، این بوده که بعضی‌ها دسترسی خاصی به خداوند داشتن و دیگران، درباره‌ی این دسترسی می‌شنیدن و می‌تونستن از لذت ببرن؛ ولی در اون عهد و پیمان قدیم، موسی دعا می‌کنه: «آه خدایا، آیا نمی‌شه همین تجربه‌ای رو که من از مصاحبت صمیمانه با تو دارم، دیگران هم تجربه کنن؟»

و بعد، سومین موضوعی که می‌خوام بهش توجه کنین، اینه. هدف نهایی کار روح خدا اینه که برای قوم خدا، آرامی بیاره، استراحت رو برای قوم خدا فراهم کنه. یکی از چیزهایی که به سبب سقوط انسان، اتفاق افتاده، اینه که انسان‌ها ناآرام شدن. این طور نیست؟ عبارت شرق باغ عدن، دقیقاً همون بیانی هست که ناآرامی مردان و زنان رو بدون خدا، توصیف می‌کنه.

و حتی در بیابان هم ناآرامی بود. و برام جالبه که وقتی اشعیاء به عقب نگاه می‌کنه و عصیان قوم رو در صحرا می‌بینه، به روشنی می‌گه که چیزی که روح القدس، به دنبالش بود، بردن قوم به سرزمین موعود و دادن حسی از آرامش به اونا بود. در حقیقت، این یک درون‌مایه هست که به

خیلی قبل‌تر یعنی تقریباً به آغاز کتاب مقدّس، برمی‌گردد. آیا می‌دونین چرا به نوح، این اسم داده شده؟

چون نام نوح، تلفظی نسبتاً شبیه به کلمه‌ی راحتی داره و والدینش گفتن: «شاید این بچه، شخصی باشه که آرامی و استراحت رو برامون فراهم می‌کنه. شاید این همون پسری باشه که وعده‌اش در کتاب پیدایش ۳: ۱۵ داده شده که رستگاری و احیاء رو برامون میاره و کاملیت حیات و زندگی رو به ما می‌ده و آرامش رو فراهم می‌کنه.» ولی اون نوح نبود. وقتی روح القدس در دوران، خروج کار می‌کرد، کارش این بود که قوم رو به سرزمینی ببره که در اون؛ شیر و عسل جاری بود تا اونا بتونن مزه‌ی آرامش و استراحت رو بچشن.

ولی این کار نهایی روح القدس نبود، درست‌ه؟ ما کجا آرامش رو پیدا می‌کنیم؟ شما پاسخ این پرسش رو می‌دونین. چه‌کسی از یافتن آرامی صحبت می‌کنه؟ خداوند ما عیسی. «بیایید نزد من ای تمامی زحمت‌کشان و گران‌باران و من شما را آرامی خواهم بخشید.»

پس این‌طوری داریم می‌بینیم که هدف نهایی روح القدس، اینه که آرامی رو برای ما فراهم کنه و این آرامش نهایی، تنها زمانی یافت می‌شه که ما چهره‌ی خدا رو در نجات‌دهنده‌ی خودمون عیسی مسیح، ببینیم. منظورم اینه که در سراسر عهد و پیمان قدیم، روح القدس داره به عیسی مسیح برای ما اشاره می‌کنه که تنها در اون به ما آرامش رو می‌ده. انگار کلّ موعظه‌ی روح القدس در سراسر کتاب مقدّس؛ اینه: «من می‌خوام شما رو پیش عیسی ببرم که آرامی روحتون رو در اون پیدا کنین.»

بیابین باهم دعا کنیم و خدا رو برای این شکر کنیم. «خداوند عیسی، شکر می‌کنیم که از ابتداء روح مقدّس تو کار می‌کنه تا ما رو به مصاحبت با تو وارد کنه، چهره‌ی تو رو برای ما آشکار کنه و به ما تعلیم بده که فقط در تو می‌تونیم آرامی و استراحت پیدا کنیم. می‌خواهیم با تمام دل‌مون برای این کار پرفیض و پرجلال شکرگذاری کنیم. تو رو تمجید می‌کنیم که روحت رو به ما می‌دی. در نام تو دعا می‌کنیم و می‌طلبیم. آمین.»